

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!

رفیق قربانعلی زرکاری



قربانعلی زرکاری در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده کارگر و زحمتکش در محله خزانه فرح آباد تهران به دنیا آمد. وی در همان محله به مدرسه رفت و خیلی زود به دلیل شرایط اقتصادی خانواده به کارگری پرداخت. وی مدت ها در کارخانه های کفش وین و کفش ملی کار کرد. کار در کارخانه های بزرگ در حالی که به او در تامین زندگی خود و خانواده اش کمک می کرد در همان حال مکتبی بود برای شناخت و درس آموزی از شرایط کار و مبارزه کارگران ایران که در زیر سلطه نظام سرمایه داری وابسته و رژیم دیکتاتوری حامی آن شیره جانانشان روزانه کشیده می شد و وحشیانه استثمار می شدند. با توجه به جو سیاسی خانواده به خصوص به دلیل حضور و تاثیرات برادر بزرگترش، چریک فدائی خلق رفیق کارگر یوسف زرکاری که پس از تحمل یک سال شکنجه و زندان با فریب ساواکی ها ، از زندان آزاد و دوباره به سازمان پیوسته بود (او در بهمن ۱۳۵۲ در جریان یک درگیری با نیرو های سرکوبگر شاه در اصفهان به شهادت رسید) از هر فرصتی برای بالا بردن آگاهی خود سود می جست و به همین دلیل هم در حین کار به تحصیلاتش ادامه داد و توانست دیپلم بگیرد. اما او کارگری نبود که نسبت به هم طبقه ای های خود بی تفاوت باشد به همین دلیل هم در حین تحصیل در همان محله جنوب شهر عصرها برای بچه های بی که قادر به تحصیل نبودند کلاس های درس برگزار میکرد. این کلاس ها فرصتی به او میداد تا علاوه بر یاد دادن خواندن و نوشتن به آن کودکان ، در مورد فجایع نظام حاکم سرمایه داری نیز برای آن ها صحبت کرده و آن ها را به مبارزه علیه این فجایع دعوت کند. همان طور که خودش نیز هر چه دانش و آگاهی اش بالاتر می رفت و شناخت اش از محیط کار و ظلم و جور سرمایه دار و سرکوب بی وقفه اعتراضات و مبارزات بر حق کارگران بیشتر می شد عزمش به مبارزه برای نابودی این نظام دو چندان می گشت. قربانعلی کارگری بود که به دلیل کار در کارخانه های بزرگی چون کفش ملی و کفش وین مطالب سرمایه داری را با گوشت و پوست خود لمس کرده و به ضرورت مبارزه برای

نابودی قطعی این نظام استثمارگرانه باوری عمیق پیدا کرده بود. نظامی که به عینه می دید با توسل به اعمال یک دیکتاتوری شدیداً قهر آمیز به کارگران اجازه نمی دهد که حتی از نظر تلاش برای رسیدن به مطالبات اقتصادی خود هم متشکل شوند.

رفیق قربانعلی در جریان مطالعات خود و تجربیات زندگی کارگری اش به این نتیجه رسیده بود که رهائی کارگران تنها به دست خودشان امکان پذیر می باشد و قرار نیست کسان دیگری به جای کارگران آن ها را از مظالم سرمایه داری رها سازند. به همین دلیل آستین ها را بالا زده و به مبارزه انقلابی برای نابودی نظام حاکم پیوست. در همین راستا در سال ۵۲ از طریق برادر انقلابی اش رفیق یوسف زرکاری به سازمان چریکهای فدائی خلق که برای رهائی کارگران از هرگونه جور و ستم مبارزه مسلحانه را آغاز کرده بود پیوست تا با همه وجود در راه رهائی طبقه خویش گام بردارد. رفیق قربانعلی از سال ۵۲ به مدت سه سال در شرایطی که دستگاه سرکوب شاه به هر ترفندی متوسل می شد تا مبارزین مسلح را پیدا کرده و نابود سازد در صفوف سازمان با نظم ظالمانه حاکم جنگید و راه رسیدن به آزادی و سوسیالیسم را هموار نمود. در جریان این مبارزه تا پای جان از آن جا که کارگری منظم و دقیق بود از یارانش بسیار آموخت و دانسته های خود را وسیعاً به آن ها آموزش داد. سرانجام رفیق قربانعلی زرکاری در ۲۶ اردیبهشت سال ۵۵ در جریان یورش مزدوران دیکتاتوری حاکم به پایگاه اش در کوی کن، طی یک درگیری نابرابر اما قهرمانانه به همراه بقیه رفقای این پایگاه تا آخرین گلوله جنگید و به شهادت رسید. این رفیق کارگر در صفوف چریکهای فدائی خلق با شهادت اش نشان داد که به تعهدی که با طبقه خود جهت مبارزه تا رهائی بسته بود تا پای جان وفادار مانده است.